

سیمونا پیکو- رومن پیکو

SIMONA PIPKO-ROMAN PIPKO

محمد کرم اشراق



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی به:

کانون وکلای شوری



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اشاره

گرچه نویسندگان این مقاله خود نیز در بیان آن، با اشاره به تحولات جاری در شوروی، تصریح کرده اند که مطالب این مقاله تحولات اخیر را دربر ندارد، با این همه، مترجم نیز لازم می‌داند ضمن تأکید بر این نکته بیفزاید که به هر حال برای جامعه ما اطلاع از کیفیت تحولات جاری در کشور هسایه - یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - ضرورت دارد و به همین مناسبت این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات و بررسیهای بعدی در این زمینه به شمار آید.

□

- خانم سیمونا پیکوفارغ التحصیل دانشکده حقوق لنینگراد است. او بیست سال وکیل مدافع و عضو انجمن وکلای استونی بوده است. مشارکاتها همچنین به عنوان رئیس «دانشگاه خلق علوم

حقوقی»، که زیر نظر وزارت دادگستری استونی قرار دارد، خدمت کرده است. سیمونا پیپکو در سال ۱۹۸۱ به ایالات متحده مهاجرت کرد و اکنون عضو هیأت علمی «دانشکده جدید تحقیقات اجتماعی»^۱ نیویورک است.

— آقای رومن پیپکو در مدرسه حقوق دانشگاه تارتو^۲ در اتحاد شوروی تحصیل کرده و پس از مهاجرت به ایالات متحده در سال ۱۹۸۱، در مؤسسه دلیو.آ. هارمین^۳ که جزو دانشکده حقوق دانشگاه ییل^۴ است به کار پرداخته و دارای درجه دکتری حقوق از این دانشگاه است.

این مقاله از «مجله وکلای بین المللی» (تابستان ۱۹۸۷، جلد ۲۱، شماره ۳) ترجمه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. The New School for Social Research
2. Tartu
3. W.A. Harriman
4. Yale

در گذشته ای نه چندان دور، یکی از علمای بصیر حقوق شوروی
اظهار نظر کرد:

«تا حدی شگفت آور است که ما درباره وکیل مدافع شوروی،
حقوقدانی که به نظر می رسد در عمل مشابه ترین فرد به وکیل خصوصی
غربی است، چه اندازه کم اطلاع داریم... حتی به صورت مبهم نیز
ما نمی دانیم در اتحاد شوروی چه تعداد وکیل کار می کند.»^۱

گرچه حرفه وکالت در شوروی، مانند گذشته، دیگر معمایی
محسوب نمی شود اما بعضی از موضوعات اساسی و جزئیات پیچیده در
عملکرد وکیل مدافع شوروی هنوز در ابهام مانده و سزاوار بررسی وسیع تری
است حتی اگر، در واقع، تعداد دقیق وکلای اتحاد جماهیر شوروی را هم
هنوز ندانیم.^۲

۱. BUTLER: Some Reflections on the Soviet Advokatura: Its Structure and Prospects, in
Soviet Law after Stalin 239 (Law in Eastern Europe series, vol. 20, 1979).

۲. در منابع اخیر شوروی، تعداد وکلا از حداقل هجده هزار نفر (مندرج در «نظام عدالت جزایی

نخستین هدف این مقاله شرح سازمان و وظایف کانون وکلای شوروی، و نیز موقعیتی است که این کانون در بین دیگر مؤسسات شوروی دارا است. هرچند که شرح کامل این موضوع به اطلاعاتی که هم اکنون در دسترس قرار دارد موقوف است^۳، با این همه، برای رفع نواقص اطلاعات موجود و روشن کردن بعضی نقاط مبهم، که در مطالعه هر مؤسسه شوروی غیرقابل اجتناب می باشد، کوششهایی به عمل آمده است. این مقاله، نه مستقیماً با جنبه های شکلی کار وکلای مدافع شوروی و نه با فشارهای سیاسی وارد بر کاربرد ماهوی آنان، سروکار دارد. هر دو مطلب تا آنجا مورد بحث واقع شده که برای روشن ساختن نقش وکلا در جامعه شوروی ضروری است.^۴

۱. قضیه عجیب وکالت در اتحاد جماهیر شوروی

حتی در اولین نگاه، ادامه حضور وکلای مدافع در اتحاد شوروی حیرت انگیز است. در همین اواخر، در یکی از نشریات معتبر حقوقی شوروی، در مقاله ای به قلم یک استاد تاریخ این جملات معروف لنین نقل شده بود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»، ۳۹، ۱۹۷۹) تا حداکثر بیست و سه هزار نفر (به نقل از اظهار نظرهای «Sukharev» مشاور اداره وکالت در وزارت دادگستری شوروی) نقل شده است. ارقامی مابین این دو رقم نیز ذکر گردیده است. نگاه شود به:

Povysheniye Roli Advokatura V Okazanii Pomoshchi-Grazhdanam. 2. Sovetskoye Gosudarstavo I Pravo [Sov. Gos. & Pravo] 93 (1985).

3. See, e.g., HUSKEY: The Limits to Institutional Autonomy in the Soviet Union: The Case of the Advokatura, 34 Soviet Studies 200 (1982) [hereinafter Advokatura]; D. KAMINSKAYA: Final Judgment, My Life as a Soviet Defense Attorney (1982).

۴. برای زمینه مطالعه در باب حرفه وکیل در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بنگرید:

BARRY & BERMAN: The Soviet Legal Profession, 82 Harv. L.Rev. 1 (1968); ZILF: Soviet Advokatura Twenty Five Years after Stalin, in Soviet Law after Stalin, supra note 1, at 207.

«وکیل مدافع را باید با دستی آهنین اداره کرد و او را در حالت محاصره نگاه داشت برای اینکه این تفاله روشنفکری، غالباً نمایش کثیفی را بازی می‌کند.»^۵

نویسنده مقاله مزبور اظهار داشته بود که، در واقع، وکلای روسی این «نمایش کثیف» را بیشتر در قرن بیستم بازی کردند؛ زمانی که طبقه زحمتکش (پرولتاریا)، با ننگهبانی از انقلاب، رفاه طبقه بورژوازی را مورد تهدید قرار داد.^۶ چنین نظراتی، در یک مجله شوروی خوانندگان زیادی را نمی‌رنجانند و ظاهراً به سادگی نیز از سانسور و سراسنارها می‌گذرد، زیرا موقعیت یک وکیل در اتحاد جماهیر شوروی، نوعی عدم اعتماد و بدگمانی را، هم از سوی دولت و هم از سوی اتباع [شوروی] برانگیخته است. یک وکیل در اتحاد شوروی امتیازات و وظایفی دارد که خواه و ناخواه نوعی خصومت عمومی را نسبت به کانون وکلای شوروی غیرقابل اجتناب می‌سازد. مقامهای دولتی در وجود وکیل نوعی مخالف بالقوه خطرناک می‌بینند زیرا یک وکیل حق قانونی دارد که در محاکم با نظام مخالفت ورزد. از این گذشته، نظام، امتیاز خاصی را برای مخاطب قرار دادن مستمعان به وکیل بخشیده است، بدون اینکه به رسیدگی دقیق نیاز داشته باشد. این آزادی بیان خود می‌تواند در رژیم‌هایی که دسترسی به اطلاعات، آموزش و ایدئولوژی را به خود منحصر ساخته است، به عنوان یک

۵. نویسنده بخش آخر سخنان لنین را حذف کرده که گفته است: «از پیش به او اعلام کن که اگر توی... (دو کلمه حذف شد) به خود اجازه حتی کوچکترین بی‌مبالاتی یا فرصت‌طلبی سیاسی را بدهی آن وقت، من متهم، بی‌درنگ خودم را علناً از تو جدا خواهم کرد و تو را شخص ردلی شناخته، اعلام می‌کنم که دفاع تو را نخواهم پذیرفت». لنین، که خودش وکیل بود، معروف است که به استعداد وکلا برای جعل استدلال‌های ناحق و اختفای حق توجه داشته است. بنگرید به:

TRULSKI: Korifei Russkoi Advokatury Pervogo Prizyva, 2 Sov. Gos. & Pravo 120 (1985) (quoting V. Lenin, Pismo E.D. Stasovoi i Tovarishcham v Moskovskoi Tyurme, 9 Polnoye Sobraniye Sochinenii 171).

اشتباه تاریخی ویرانگر قلمداد شود. حق مخاطب قرار دادن عامه مردم، به امتیاز و وظیفه محرمانه بودن روابط با موکلان که مورد حمایت قانون قرار گرفته اند، افزوده شده است. به سبب فقدان روحانی یا روانکا و خصوصی، یک وکیل در اتحاد شوروی تنها فردی است که تبعه (به نحو دلخواهانه) می‌تواند، بی آنکه از افشای اسرارش نزد مقامات ترسی داشته باشد، با او مشورت کند. هیچ‌یک از این حقوق اساسی مربوط به یک فرد وکیل، به سادگی با تصویر رایج تطبیق نمی‌کند.

موقعیت یک وکیل، به عنوان مدافع حقوق فردی، از جانب هم‌میهنانش احترام و تأییدی برای او به وجود نیاورده است. عامه مردم معمولاً نسبت به وکلا، که به طور قابل ملاحظه‌ای از دستمزدهای بالاتر از حد متوسط برخوردارند و امکانات دریافت درآمدهای جنبی نیز دارند، رشک می‌برند. استقلال ظاهری کانون وکلا از دستگاه دولتی نیز وکلا را از توده مردم بیگانه ساخته است؛ مردمی که وکلا را، در کشوری با نظارتهای فراگیر حکومتی، عنصری بیگانه می‌شمارند. بالاخره، تا همین اواخر، کثرت اسامی و قیافه‌های یهودی‌نمای وکلا^۷ مابین حرفه وکالت و موکلان بالقوه وکلا مانع دیگری ایجاد کرده بود.

بنابراین، نباید باعث تعجب شود که یک حقوقدان شوروی اخیراً پذیرفته است که: «مشکل می‌توان برای مثال موردی را به خاطر آورد که در مقاله یک روزنامه یا در یک برنامه تلویزیونی، وکیل به عنوان شخصی لافزن و دغل که از یک مجرم دفاع می‌کند، و نه یک خردمند

۷. هاسکی (Huskey) چنین اظهار می‌دارد که درصد نامتعادل و بالایی از اعضای [کانون وکلا] یهودی هستند. تعداد یهودیان عضو انجمن وکلای شهر مسکو بیشتر از پنجاه درصد اعضا را تشکیل می‌دهد. او نتیجه می‌گیرد که حرفه وکالت پناهگاهی برای وکلای یهودی است که نمی‌توانند به سهولت وارد تشکیلات دولتی شوند، زیرا رسماً برای آنان محدودیتهایی وجود دارد. این نتیجه‌گیری اخیر درست نمی‌نماید زیرا از اواسط دهه ۱۹۷۰ همین محدودیتهای وجود پذیرش اعضای جدید در کانون وکلا وجود دارد. برای مأخذ به پانویس ۳ رجوع شود.

میهن پرست، معرفی نشده باشد»^۸. در چنین محیط غیردوستانه‌ای، امروزه یک وکیل مدافع، بین نیاز دولت به محدود کردن استقلالش و تمایل مردم به کاستن از امتیازاتش، خود را تحت فشار می‌یابد.

۲. موقعیت قانونی کانون وکلای شوروی

در سال ۱۹۷۷ کانون وکلای شوروی به سطح یکی از نهادهای مندرج در قانون اساسی ارتقاء یافت که مبانی آن در ماده ۱۶۱ قانون اساسی شوروی چنین پیش‌بینی شده است:

«انجمنهای وکلا آماده‌اند تا به شهروندان و سازمانها معاضدت حقوقی بدهند. در مواردی که به وسیله قانون تصریح شده باشد، شهروندان به صورت رایگان مورد معاضدت حقوقی قرار می‌گیرند. سازمان و آیین کار کانون به وسیله مراجع قانونگذاری اتحاد جماهیر شوروی و جمهوریهای متحده معین می‌گردد.»^۹

همان‌گونه که در قانون اساسی آمده است کانون وکلا مشمول قوانین اتحاد جماهیر [شوروی] و مقررات مربوطه (پولوژنیا = Polozheniya) می‌باشد. در ماه نوامبر سال ۱۹۷۹ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی اولین قانون کانون وکلای اتحاد جماهیر شوروی را به تصویب رسانید.^{۱۰} این قانون، مبانی کلی یک سازمان مستقر برای حرفه وکالت را مقرر کرد.

8. See *Povysheniye Roli Advokatury V Okazanii Pomoshchi Grazhdanam*, supra note 2, at 86 (comments by Savitsky, member of the Institute of State and Law of the Academy of Science of the USSR).

9. Konst. SSSR art. 161.

۱۰. بنگرید به: قانون اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی راجع به کانون وکلای اتحاد جماهیر شوروی، منتشره در قوانین مصوبه اتحاد جماهیر شوروی ۳۳۰، سال ۱۹۸۱ (از این به بعد به عنوان «قانون» از آن یاد می‌شود). پیش از تصویب آن قانون، قانون واحدی برای کل حرفه وکالت وضع نشده بود و هر جمهوری متحده برای وکلا قانون خاص خود را داشت که در حوزه همان جمهوری اعمال می‌شد.

کانون وکلای شوروی مرکب از اتحادیه‌های وکلا است که اصطلاحاً به آنها انجمنهای وکلا* گفته می‌شود. این انجمنها (یا اتحادیه‌ها) از یکدیگر مستقل اند و براساس اصول تقسیم‌بندی سرزمینهای شوروی تأسیس شده‌اند. انجمنهای وکلای جمهوری، بدون تقسیم‌بندی منطقه‌ای در جمهوریهای متحده و انجمنهای منطقه‌ای و سرزمینی، در جمهوریهای خودمختار، مطابق با تقسیم‌بندی واحدهای اداری آن منطقه و انجمنهای شهری در پاره‌ای از شهرهای بزرگ، ایجاد شده‌اند.^{۱۱} بنابراین، ممکن است انجمنهایی چند، بدون اینکه ارتباط رسمی با یکدیگر داشته باشند، در سرزمین یکی از جمهوریهای متحده تشکیل شوند. برای مثال، در سرزمین جمهوری سوسیالیستی فدراتیور روسیه شوروی (RSFSR) یک نفر می‌تواند با انجمنهای شهری وکلا، انجمنهای منطقه‌ای وکلا و انجمنهای وکلای جمهوریهای خودمختار مواجه شود. نه این انجمنها شعبه یکدیگر محسوب می‌شوند و نه مؤسسه یا سازمان فائده‌ای در این جمهوری بر کار همه وکلا نظارت دارد. کار روزانه یک انجمن به وسیله اعضای آن، و از طریق به اصطلاح دفاتر مشاوره حقوقی که هر یک از این انجمنها تشکیل داده‌اند، انجام می‌شود.^{۱۲}

قانون کانون وکلا، انجمنهای وکلا را به عنوان «مجامع داوطلبانه افرادی که به حرفه وکالت اشتغال دارند» تعریف کرده است.^{۱۳} علی‌رغم این تعریف ساده، هم در اتحاد شوروی و هم در خارج، کانون وکلا با توصیف موجزتری به عنوان سازمانی اجتماعی، مستقل^{۱۴} و داوطلبانه شهرت

★ Colleges

11. Id. art. 3.

12. Id. art. 8.

13. Id. art. 3.

۱۴. کلمه روسی «obshchestvennaya» بعضی اوقات به «عمومی» ترجمه می‌شود، اما در این متن «اجتماعی» مناسب‌تر به نظر رسید. همین‌طور کلمه «Samoupravlyayushchayasya» روسی، که معنی آن «خودمختار» است، بعضی اوقات باید به «اداره مستقلانه» ترجمه گردد. انتخاب کلمات برای درک مفاهیم مورد نظر اهمیت ندارد.

یافته است. ۱۵. نگاهی از نزدیک به وضعیت کانون وکلای شوروی، آشکار خواهد ساخت که هیچ یک از این اوصاف واقعیت ندارند. ۱۶

الف. آیا کانون وکلا داوطلبانه است؟

ماهیت داوطلبانه بودن کانون وکلای شوروی تنها خصیصه‌ای است که به صراحت در قانون از آن یاد شده است. ۱۷ این مطلب، معمولاً با جریان ایجاد انجمنهای جدید وکلا عجین شده است. ۱۸ مطابق مصوبات قانونی اتحاد جماهیر و جمهوریها «انجمنهای وکلا باید به وسیله درخواست یک گروه مؤسس که شامل افرادی با تحصیلات عالی حقوقی است بنیاد شود.» ۱۹

قوانین مصوبه طریقه دیگری هم برای ایجاد یک انجمن وکلا پیش بینی کرده که «پیشنهاد یکی از ارکان اداری و اجرایی نمایندگان خلق شوروی» است. ۲۰ هیچ اطلاعات آماری از تعداد انجمنهایی که در دهه های اخیر داوطلبانه شروع به کار کرده اند وجود ندارد اما، به احتمال زیاد، تعداد این گونه انجمنها اندک یا هیچ است. در هر صورت، حتی اگر گروهی از حقوقدانان خودشان تصمیم به تشکیل یک انجمن بگیرند باید درخواست خود را به وزارت دادگستری جمهوری تسلیم کنند و این وزارت،

۱۵. در کتابهای اخیر که در شوروی برای دانشجویان حقوق نوشته شده کانون وکلا چنین تعریف گردیده است: «سازمان اجتماعی خودمختاری» که با عرضه معاضدت قضایی به مردم و سازمانها در مسائل حقوقی، انواع مدارک و اسناد لازم را در دفاع از دعاوی جنایی تحریر و تنظیم می کند و در دعاوی مدنی نیز وکالت می نماید. بنگرید به:

Sud I Sudoproizvodstvo, V SSSR (1984).

۱۶. در این مورد نمی توان از مقایسه تعریف کانون وکلای شوروی با توصیف متداول از امپراتوری مقدس رُم، خودداری کرد.

17. See supra note 13 and accompanying text.

18. See, e.g., Sud I Sudoproizvodstvo V SSSR 240 (1981).

19. See The Law, supra note 10 at art. 3; RSFSR Regulation on the Bar art. 3, reprinted in Vedomosti Verkhovnogo Soveta RSFSR 1105 (1980) [hereinafter the RSFSR Regulation on the Bar].

20. Id.

به نوبه خود اگر موافقت نماید، درخواست را به شورای وزیران یا به کمیته اجرایی شورای خلق سرزمین مربوط برای تصویب خواهد فرستاد.^{۲۱}

مسلم آن است که حق تشکیل داوطلبانه انجمن وکلا مطلقاً به قریطاس بازی تشکیلات اداری دولتی وابسته است و احتمالاً هرگز تحقق نمی یابد. در نتیجه، تعریف انجمنهای وکلا به صورت «مجامع داوطلبانه» تعریفی گمراه کننده و بی معنا است زیرا این تعریف، در عمل، بین کانون وکلا با هر تأسیس دیگر شوروی تمایزی قائل نمی شود. در واقع، حتی در اتحاد شوروی، این اصطلاح به صورت یک فرض قانونی درآمده است که ماهیت آن در نوشته های حقوقی مورد بحث قرار نمی گیرد.

ب. آیا کانون وکلا یک سازمان اجتماعی است؟

وصف کانون وکلا، به عنوان یک سازمان اجتماعی، تقریباً در هر نوشته ای درباره این موضوع صورت رایجی به خود گرفته است.^{۲۲} معهدا، حتی علی رغم این تعریف فراگیر از کانون وکلا به عنوان یک سازمان اجتماعی شوروی^{۲۳}، کانون قانوناً این وضعیت را ندارد.^{۲۴} بعضی از دانشمندان غربی، حتی آنهایی که هنوز کانون را یک سازمان اجتماعی می دانند، بنا بر بیان همکاران روسی خود دریافته اند که انجمنهای وکلا، برخلاف دیگر سازمانهای اجتماعی شوروی، مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیستند.^{۲۵} ولی معافیت از مالیات پردازی، به هر حال، پاسخی به این

21. Id.

22. See, e.g., APRAKSIN & POLYAK: *Razvitiye Sovetskoi Advokatury*, 5 *Sov. Gos. & Pravo* 99 (1979); *The Criminal Justice System of the Soviet Union*, supra note 2, at 39; *Advokatura*, supra note 3, at 200.

۲۳. مسلماً بعضی از مؤلفان شوروی، که در مورد سازمانهای اجتماعی در اتحاد شوروی مطالبی نوشته اند، کانون وکلا را یکی از این سازمانها یاد نکرده اند. بنگرید به:

TS. YAMPOLSKAYA: *Social Organizations in the USSR* (1972).

۲۴. در عرف، کلمه «Social» برای توصیف وکلا، که نه مستخدم و نه حقوق بگیر دولت هستند، مناسب است.

۲۵. گرچه کانون وکلا حایز همه شرایط مربوط به یک سازمان اجتماعی است، یک مقام

سؤال نیست که چرا حکومت شوروی تمایل ندارد کانون وکلا را به عنوان یک سازمان اجتماعی رسماً بپذیرد.^{۲۶}

اشکال در این است که پذیرش موقعیت یک سازمان اجتماعی برای ارگانهای جمهوریها به آن ارگانها این امتیاز را می‌دهد که در طرح امور تقنینی^{۲۷} پیشقدم شوند و حال آنکه کانون وکلا از چنین امتیازی محروم است. دو دلیل اصلی برای عدم تمایل حکومت در اعطای چنین حقی به وکلا وجود دارد:

نخست اینکه تنها ارگانهای یک سازمان اجتماعی جمهوری حق پیشنهاد در خصوص امور تقنینی را دارند. در نتیجه این امر، از آنجا که انجمنهای وکلا در سطح یک جمهوری متحده در کمتر از نصف جمهوریهای اتحاد شوروی وجود دارد، تسری دادن وضع حقوقی سازمان اجتماعی به همه انجمنها تبعیض علیه آنهاست خواهد بود که در سطح یک جمهوری متحده تشکیلات اداره کننده ندارند.^{۲۸}

دوم اینکه اگر حکومت واقعاً می‌خواست تمامی حقوق یک سازمان اجتماعی را به کانون وکلا تفویض کند اوضاع به سادگی قابل ترمیم بود. برای مثال، حکومت می‌توانست سازمانی در کل اتحاد جماهیر شوروی ایجاد کند که مظهر و نماینده منافع عمومی کلیه وکلا باشد. چنین سازمانی می‌توانست از امتیاز طرح امور تقنینی برخوردار باشد.^{۲۹} عدم پذیرش وضعیت یک سازمان اجتماعی برای کانون وکلا، ولذا نفی حق کانون در اعمال

وزارت دادگستری رسماً اعلام داشته که در قوانین چنین تعریفی از کانون نشده است زیرا، در این صورت، موضوع کار کانون حرفه وکالت بدون ضرورت مشمول مالیات می‌شود. بنگرید

W. BUTLER, Soviet Law 78 (1983 ed.).

به:

۲۶. برای اعطای معافیت مالیاتی به دستگاهی که در قانون به عنوان یک سازمان اجتماعی شناخته شده است، هیچ گونه پیچیدگی و تعقیدی وجود ندارد.

27. See, e.g., Konst. RSFSR art. 108.

28. For the official Soviet view on this issue see Natruskin, *Novyi Zakon ob Advokature v SSSR*, 10 Sov. Gos. & Pravo 20 (1980) (Natruskin is the head of the Advokatur Department of the Ministry of Justice of the USSR.).

29. Konst. USSR art. 113.

ابتکار در امور تقنینی، حکومت را قادر می‌سازد که وضع دلسردکننده‌ای را حفظ کند که در آن «اثر این حرفه، در جریان تدوین قانون در بهترین وضعیت ممکن، جزئی و غیر مؤثر شود». حتی در مورد قانون سال ۱۹۷۹، راجع به حرفه وکالت*، وکلا نقش مستقیمی در ارائه پیشنهاد یا طرح آن نداشتند.^{۳۰} به منظور ادامه این رویه، یعنی حذف وکلا از جریان قانونگذاری که علی الظاهر منافع قشر حاکنه نیز طی آن تأمین می‌شد، حکومت با تمام وسایل از به رسمیت شناختن کانون وکلا، به عنوان یک سازمان اجتماعی، جلوگیری به عمل می‌آورد.^{۳۱}

ج. آیا وکلا به وسیله خودشان اداره می‌شوند؟

در هیچ قانون شوروی، هنگامی که از کانون سخن گفته می‌شود، لفظ «مستقل» به کار نمی‌رود. با این همه، اصطلاح مزبور نیز مانند اصطلاح «اجتماعی» در قاموس [اصطلاحات] کانون وکلای شوروی زیاد دیده می‌شود.^{۳۲} وکلای شوروی، شاید مانند هم‌تایان خود در غرب، برای توجیه مطلب عقیده دارند که «استقلال کانون جزو شرایط لازم برای انجام کار عایشان است».^{۳۳} ادبیات حقوقی شوروی معمولاً حاکی از آن است که جوهر «اصل استقلال، حق یک وکیل است تا بتواند مستقلاً مسائل مربوط به سازمان و فعالیتهای انجمن را مورد تصمیم‌گیری قرار دهد».^{۳۴} نویسندگان غربی موضع مشابهی را در این مورد دارند، به این نحو که: «قانون وکالت اتحاد جماهیر شوروی، وکالت را به عنوان حرفه‌ای که اداره اش در دست خودش قرار دارد، و از این بابت در شوروی منحصر به فرد

* Advocatura

30. Advokatura, supra note 3, at 206.

31. For comparison it should be noted that the ruling bodies of the Procuracy do have the right to initiate legislation. See Law of the USSR on the Procurator's Office of the USSR art. 9, reprinted in Legislative Acts of the USSR, supra note 10, at 303.

32. See, e.g., Advokatura, supra note 3, at 200; The Criminal Justice System of the USSR, supra note 2, at 39.

33. STEISOVSKY: *Distsiplinarnaya Otvetstvennost Advokatorov*, 5 Sov. Gos. & Pravo 105 (1979).

34. *Sud I Sudoproizvodstvo V SSSR*, supra note 18, at 241.

است، شناخته و مسؤولیت نهایی اداره امور حرفه ای وکالت در انجمنهای وکلا را به عهده اجلاس یا کنفرانس عمومی وا گذاشته است».^{۳۵} اگر مناط این ارزیابی صرفاً نقش محدود وکلا در تنظیم آییننامه سازمان خودشان باشد، صحت و اعتبار آن مورد تردید است.^{۳۶} برای تشخیص دقیق میزانی که کانون وکلا، در آن حد، خودش را اداره می کند مفید است که نخست به قوانین حاکم نگریسته شود و سپس نحوه عملی اجرای این قوانین مورد ملاحظه قرار گیرد.

عالی ترین رکن انجمن وکلا، نشست عمومی (یا کنفرانس) آن است^{۳۷}؛ ضمناً هیأت مدیره، هیأت رئیسه انجمن نیز محسوب می شود و یک کمیسیون بازرسی رکن نظارت و بازرسی آن است. نشست عمومی یا کنفرانس انجمن، بنا به پیشنهاد هیأت رئیسه انجمن یا یک سوم از وکلای عضو یا ارگانهای دولتی مجاز، حداقل سالی یک بار تشکیل جلسه می دهد.^{۳۸}

35. W. BILFELDER: supra note 25, at 79.

۳۶. بنگرید به پانویس ۳۰. هاسکی همچنین به درستی اظهار می دارد که مقررات کانون وکلا که مصوبه قوه مقننه دولتی است کانون را از حالت یک سازمان اجتماعی جدا می سازد، زیرا در سازمانهای اجتماعی، مجامع خود آن سازمانها به وضع مقررات می پردازند و نیازی نیست که این مقررات به وسیله مقامهای دولتی تأیید شود. بنگرید به:

Advokatura, Supra note 3, at 222 n. 39.

۳۷. بنگرید به پانویس ۱۰. اگر انجمن وکلایی بیش از سیصد عضو داشته باشد تشکیل یک کنفرانس راحت تر از نشست عمومی خواهد بود. هیأتهای اعزامی به کنفرانس به وسیله هریک از دفاتر مشاوره حقوقی انتخاب می شوند و تعداد افراد هیأتها به نسبتی است که هیأت رئیسه انجمن معین می کند. نگاه شود به: ماده ۵ مقررات جمهوری فدراتیور روسیه شوروی سوسیالیستی، که در پانویس ۱۹ به آن اشاره شد. مداخله دولت یا سازمانهای حزبی در جریان انتخاب هیأتهای اعزامی به کنفرانس، معمولاً محدود به این است که اطمینان حاصل شود کلیه مأموران و اعضای حزبی در هر دفتر مشاوره حقوقی به عنوان اعضای هیأت اعزامی برگزیده شده باشند. از آنجا که چنین قاعده ای در مورد نشستهای عمومی و کنفرانسها نیز صادق است لذا از این پس، همه جا، به نشست عمومی اشاره خواهد شد.

۳۸. ماده ۵ مقررات مذکور در پانویس پیشین حاکی است که نشست عمومی (یا کنفرانس) را می توان به پیشنهاد هیأت رئیسه انجمن، وزارت دادگستری، بخش قضایی کمیته

دستور جلسات سالانه نشست عمومی، معمولاً شامل گزارش اعضای هیأت رئیسه درباره فعالیت‌های انجمن، تبادل اطلاعات و تجارب با وکلای مدعو از سایر انجمنها، و غالباً سخنرانی به وسیله نمایندگان سازمانهای دولتی و حزبی درباره نظارت آنان و همکاریشان با وکلا است. بعلاوه، اغلب درباره عناوین و مباحث مورد توجه وکلای حاضر بحث و گفتگو به عمل می‌آید. در جهت موافقت با مقررات کانون وکلای جمهوری، نشست عمومی مجاز است، با اکثریت آراء، درباره کلیه مسائل راجع به اداره انجمن تصمیم‌گیری کند.^{۳۹}

این مجمع به ظاهر دموکراتیک نشست عمومی، و تفویض آزاد منشانه اختیار اداره انجمن به اعضای آن، ضعف نشست عمومی را در اتخاذ هرگونه تصمیم مستقل می‌پوشاند. در عمل، مدتها قبل از نشست عمومی، دستور کار نشست در جلساتی با حضور رئیس هیأت مدیره انجمن و ارگانهای حزبی و دولتی محلی مورد بحث واقع شده است.^{۴۰} از این گذشته، مسائل مهمتری که در نشست عمومی مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند - مانند مسائلی که در اندازه و شکل و عضویت و درآمد و مخارج آتی انجمن اثر دارند - فقط با تصویب کمیته اجرایی نمایندگان خلق شورای محلی صورت نهایی به خود می‌گیرند.^{۴۱} سرانجام، در مواقعی که

اجرائی نمایندگان خلق شوروی، یا بنا بر تقاضای یک سوم از اعضای انجمن تشکیل داد.

39. See, e.g., RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 6.

۴۰. این مشورتهای مقدماتی ممکن است غالباً بسیار پرتنش باشد. برای مثال، یکی از مسائلی که اغلب در نشست عمومی انجمن مورد مذاکره واقع شده کیفیت رابطه بین وکیل و موکلش است. از آنجا که حزب و وکلا غالباً در این مورد - که آیا وکیل می‌تواند دفاع از موکل خود را، هنگامی که می‌داند او مجرم است، دنبال کند یا نه - توافق ندارند، بنابراین، نیل به اتفاق نظر معمولاً دشوار است.

۴۱. بنگرید به مأخذ مذکور در پانویس ۱۹، ماده ۶. برای نمونه، انجمن وکلای شهر مسکو در سی سال گذشته، علی‌رغم تقاضاهای مکرر برای اینکه سی نفر وکیل به اعضای آن افزوده شود، توسعه‌ای نیافته است. عدم پذیرش متقاضیان این نتیجه را به بار آورده است که سفرهای مربوط به کار وکلا، و نیز تعداد موکلانی که از خارج شهر می‌آیند، محدود شود. درخور توجه

نشست عمومی از حدود مقرر عدول کند و در نتیجه بین قانون لازم الاجراء و یکی از تصمیمات نشست عمومی (کنفرانس) انجمن مغایرت حاصل شود، در این صورت، وزارت دادگستری می‌تواند مانع از ادامه فعالیت انجمن گردد.^{۴۲}

در هر سه سال یک بار، نشست عمومی برای انجام مهمترین وظیفه خود، یعنی انتخاب هیأت رئیسه و کمیسیون بازرسی انجمن، منعقد می‌شود. انتخاب هیأت‌های مدیره انجمن، که بر پایه سلسله مراتب و سوابق اعضای انجمن و با رأی گیری مخفی^{۴۳} انجام می‌گیرد، معمولاً به عنوان زیربنای استقلال کانون وکلا تلقی می‌شود. این روش، که ظاهراً آزادمنشانه است، در انتخاب برگزیدگان انجمن حتی با معیارهای غربی، در عمل، صحنه پنهان سازی جریاناتی می‌شود که طی آن فهرست اعضای هیأت رئیسه و کمیسیون بازرسی^{۴۴}، عاقبت الامر، به وسیله دستگاه حزب کمونیست تعیین شده است.

فهرست اولیه وکلایی که به عنوان عضو هیأت رئیسه پیشنهاد می‌شوند محصول مذاکرات رئیس هیأت رئیسه فعلی انجمن و عضو مأمور از سازمان منطقه ای حزب است.^{۴۵} این فهرست نامزدان احتمالی، قبل از آغاز

است که، در موارد متعدد، تصمیم مربوط به گسترش یک انجمن، نه به وسیله مقامهای محلی شوروی که انجمن در حوزه صلاحیت آنها قرار دارد، بلکه این تصمیم توسط وزارت دادگستری اتخاذ شده است. بنگرید به مأخذ مندرج در پانویس ۲.

42. See the Law, supra note 10, art. 16; RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 35.
43. بنگرید به پانویس ۱۰. پیش از ۱۹۷۹ این انتخابات فقط در استونی و جمهوری فدراتیو شوروی به صورت محرمانه برگزار می‌شد. نگاه شود به:

APARKSIN & POLYAK: Supra note 22. at 100 n.6.

44. لزومی به شرح جداگانه جزئیات مربوط به انتخابات اعضای کمیسیون بازرسی نیست، زیرا این انتخابات عیناً مانند انتخابات هیأت رئیسه است.

45. به عنوان قاعده ای کلی، این مأمور حزبی خود عضو اداره ارگانهای اجرایی است. این سازمان حزب از رئیس اداره مزبور، معاون او، و تعدادی عضو رهنموددهنده تشکیل می‌شود. اداره ارگانهای اجرایی خود قسمتی از دبیرخانه سازمان محلی حزب است که بر

نگاهی به کانون وکلای شوروی

انتخابات، برای مباحثه و تصویب در همان روز نشست عمومی انجمن به هسته حزبی انجمن داده می‌شود. جلسه گروه [یا هسته] حزبی، معمولاً به ریاست نماینده حزب اداره می‌شود.^{۴۶} نماینده مزبور به اعضای حزب، درباره نحوه زای دادن و معرفی کردن وکلایی که باید برای هیأت رئیسه نامزد شوند، رهنمود می‌دهد. فهرست مصوبه هسته، که به طور معمول با پیشنهاد اصلی حزب انطباق دارد، به رأی گیری علنی گذاشته می‌شود. در پایان این اجلاس، به یکی از وکلا اختیار داده می‌شود تا کاندیداهای مورد توافق را در نشست عمومی معرفی کند، ضمن اینکه همیشه به نماینده گروه حزبی اولویت داده می‌شود. بعد از اعلام نظر گروه حزبی، ممکن است بین نامزدان با اعضای غیرحزبی مباحثاتی به اشکال متفاوت انجام گیرد.

برای مثال، در مسکو دیدار غیررسمی بین گروه حزبی با بقیه اعضای انجمن، قبل از اینکه جریان رأی گیری آغاز شود، صورت می‌گیرد. در خلال این مباحثه، هر گروه ممکن است به توافق جدیدی نائل آید، و در نتیجه، چند تن از نامزدان مندرج در فهرست حزب حذف و نامزدان جدیدی اضافه شوند، که به هر حال، فهرست تجدید نظر شده به نشست عمومی پیشنهاد خواهد شد. بدیهی است بیشتر نامزدان مندرج در این فهرست باید به عضویت هیأت رئیسه برگزیده شوند زیرا، از قبل، حمایت اکثریتی از اعضای انجمن را به دست آورده‌اند.^{۴۷}

انجمنهای دیگر، ممکن است از روش دیگری، با اندکی اختلاف، پیروی کنند. در استونی، برای نمونه، پیش از آنکه نشست

«کا. گ. ب.» و «ام. وی. دی.» و دفتر دادستانی و وزارت دادگستری و کانون وکلا در سطح منطقه ای مربوط به خود نظارت و مراقبت دارد.

۴۶. در مسکو، این نشست ظاهراً به وسیله «مدیر دایره اجرایی» اداره می‌شود. بنگرید به:

D. KAMINSKAYA: supra note 3, at 26.

۴۷. این ملاحظه براساس اظهارات دی. کامینسکایا است و ای. هاسکی (E. Haskey) در این باره با او مصاحبه کرده است. بنگرید به:

D. KAMINSKAYA: Supra note 3. at 26; Advokatura, supra note 3, at 208.

عمومی بار دیگر دعوت شود مباحثه رسمی صورت نمی‌گیرد. در نشست عمومی، نمایندگی گروه حزبی، نامزدان برگزیده به وسیله حزب را معرفی می‌کند و متعاقب آن یک مباحثه رسمی عمومی انجام می‌شود. از آنجا که نامزد کردن کاندیداها برای همه مقدور است، دو یا سه نفر از وکلا ممکن است خود به خود به وسیله حاضران پیشنهاد شوند. یک وکیل می‌تواند به هر نامزدی رأی بدهد، اگرچه اعضای حزب که مقتید به نظم حزبی هستند به فهرست اصلی حزب رأی خواهند داد. این شیوه عمل، که جرو بحثهای حقیقی نامزدان را در نشست عمومی دربر دارد، بیشتر ظاهراً دمکراتیک به نظر می‌آید تا روش بده بستانی که در نشست عمومی به معرفی نامزدان از پیش تعیین شده منجر شود.^{۴۸} با این همه، هر دو روش انتخاب هیأت‌های مدیره انجمنها عاری از شائبه دخالت عوامل خارج از انجمن نیستند و به دشواری می‌توان از آنها به عنوان اظهار تمایل آزادانه وکلا یاد کرد. هر چند انتخابات با رأی گیری مخفی ممکن است حداقل ظاهری از استقلال را نمایش دهد اما طرز اداره واقعی انجمن، یعنی کار خود هیأت رئیسه، از هرگونه داعیه استقلال عاری است.

هیأت رئیسه انجمن دارای اختیارات وسیعی است که شکل گیری شخصیت انجمن و اداره امور روزمره آن از این اختیارات ناشی می‌شود. تعداد افراد هیأت رئیسه به وسیله نشست عمومی تعیین می‌شود اما، علی القاعده، بین نه تا دوازده نفر وکیل در تغییر است. در رأس هیأت رئیسه یک مدیر و معمولاً یک و گاهی دو معاون قرار دارد. این افراد به وسیله رأی گیری علنی انتخاب می‌شوند تا انتخاب اعضای پیشنهاد شده به وسیله حزب تضمین شده باشد. این کارکنان اداری منتخب، از صندوق انجمن

۴۸. علاوه بر قانون مربوط به کانون وکلا، انتخابات هیأت‌های مدیره انجمنهای وکلا به موجب مقرراتی که وزارت دادگستری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وضع کرده است نظارت می‌شود. بنگرید به:

NATRUSKIN: Zakon ob Advokature V Deistvii, 7 Sotsialisticheskaya zakonnost' «Sois. Zaki» 22 (1981).

حقوق دریافت می‌دارند^{۴۹} و بیشتر وقت خود را صرف امور انجمن می‌کنند.^{۵۰}

مسئولیت‌های رسمی مدیر و معاون هیأت رئیسه که از جمله شامل وظایف روزمره‌ای مانند به حرکت در آوردن کار هیأت رئیسه، رسیدگی به شکایات و پیشنهادهای تسلیم شده به هیأت رئیسه و تداوم نظارت بر اجرای تصمیمات نشست عمومی می‌شود به وسیله قانون مقرر شده است.^{۵۱} یکی از وظایف عمده اعضای هیأت رئیسه، که در قانون هم مشخصاً ذکر نشده است، خدمت کردن به عنوان مأمور رابط بین انجمن و حزب و ارگانهای دولتی است. این وظیفه برای هر دو طرف اهمیت زیادی دارد. وکلای انجمن امیدوارند که نمایندگان منتخب آنان از موقعیت خود برای حفظ منافع حرفه‌ای آنان استفاده کنند و مقامات نیز که در جریان نامزدی مأموران مزبور از آنها حمایت کرده‌اند به همکاری آنان، به منظور اعمال نظارت بر انجمن، متکی هستند.

به دلیل این وابستگی دوگانه بین اعضای هیأت رئیسه انجمن و مدیریت آن، دستگاه دولتی، کار آنان را مورد نظارت و دقت مضاعف قرار می‌دهد. یک نماینده از جانب اداره وکالت* وزارت دادگستری، یا از یک بخش قضایی کمیته اجرایی شورای محلی نمایندگان خلق، در کلیه جلسات هیأت رئیسه حضور می‌یابد. این «سگ نگهبان» نه در کار هیأت رئیسه شرکت می‌جوید و نه در رأی‌گیری؛ ولی او نظر خود — و در واقع نظر

49. RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 21.

۵۰. نه رئیس هیأت رئیسه و نه معاون او، از پرداختن به حرفه وکالت منع نشده‌اند. بنگرید به:

RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 21.

اما معمولاً هر دو چنان با وظایف اجرایی درگیرند که نمی‌توانند موکلان را بپذیرند. بقیه اعضای هیأت رئیسه که برای خدمات خود پاداشی از انجمن دریافت نمی‌کنند حقوقشان، مانند دیگر اعضای انجمن در هر مقام که باشند، بستگی به مقدار کار حقوقی دارد که انجام می‌دهند.

51. See, e.g., RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 8.

* The advocatura department

دولت - را در تمام موضوعاتی که مورد بحث واقع می‌شود، ابراز می‌دارد. بنابراین، مشارکت او در صورتجلسات ذکر می‌شود و با این نظارت معمولی بی‌واسطه بر کارهای هیأت رئیسه است، که حکومت از به اجرا درآمدن نظراتش به وسیله انجمن و نظارت بر وکلا اطمینان می‌یابد.

علی‌رغم دست‌چین کردن اولیه اعضای هیأت رئیسه و نظارت مرتب بر طرز کارشان، اکثر تصمیمات آنان باید بار دیگر به وسیله حزب یا مراجع دولتی مورد تنفیذ قرار گیرد. مثلاً انتصاب سرپرست دفتر مشاوره حقوقی، که صرفاً دارای مسئولیتی صوری است، موکول به تصویب وزارت دادگستری یا بخش قضایی کمیته اجرایی شورای محلی است.^{۵۲} از این گذشته، انتصاب سرپرست دفتر مشاوره باید به وسیله ارگانهای محلی سازمان حزب نیز مورد تصویب واقع شود. اگر پذیرش عضو جدیدی به وسیله هیأت رئیسه رد شود چنان شخصی می‌تواند به شورای وزیران و یا کمیته اجرایی نمایندگان خلق شورای محلی، که می‌تواند تصمیم مزبور را معلق و هیأت رئیسه را ملزم به تجدید نظر کند، رجوع و تقاضای تجدید نظر نماید.^{۵۳} چنین مداخله‌ای به وسیله مقامهای دولتی از طرف متقاضی ناموفق غالباً موجب تجدید نظر در تصمیم سابق هیأت رئیسه می‌گردد. اخیراً در مطبوعات شوروی تصویر خوبی از درماندگی هیأت رئیسه در قبال فشار وارده از حکومت، در یکی از قضایا، منعکس شد.^{۵۴} قضیه این بود که یکی از قضات با محکوم کردن شخصی که برای او مسلم بود مجرم نیست، آشکارا، وظیفه خود را زیر پا گذاشته بود و بنابراین پس از به ثبوت رسیدن این مطلب مجبور به استعفا شد. این شخص پس از استعفا درخواست کرد به عضویت انجمن محلی وکلا درآید، اما تقاضای او رد شد. هیأت رئیسه فقط توانست تا شش ماه در برابر تقاضای این قاضی مقاومت کند، اما

52. See, e.g., id.

53. See, e.g., id. art. 12.

54. See TSEI.NIS: Chastnoye Opredele niye. Kotorogo Ne Bylo. Literaturnaya Gazeta, Jan. 15, 1986, at 14.

سرانجام تسلیم شد و آن شخص را پذیرفت. ۵۵ منصفانه باید قبول کرد که توانایی هیأت رئیسه در رد اعضای تحمیلی، بستگی به درجه حمایتی دارد که دولت نسبت به آن افراد به عمل می آورد. گاه و بیگاه، به ویژه در قضایای بحث انگیز، حکومت ممکن است به هیأت رئیسه اجازه دهد که راه خود را برود. ۵۶

برای یک ناظر غربی موجب شگفتی خواهد بود که می بیند در نظر حکومت، با وجود شیوه های مواظبت سه مرحله ای (یعنی نظارت بر انتخابات هیأت رئیسه، بازبینی کار هیأت رئیسه در محل کار، و تصویب تصمیمات مهم هیأت رئیسه)، باز مصالحش در قبال استقلال انجمن به طور شایسته و مناسبی محفوظ نمی ماند. از این رو، قانون مربوط به کانون وکلای اتحاد جماهیر شوروی، و نیز مقررات همه جمهوریها در مورد کانون، برای وزارت دادگستری اتحاد جماهیر شوروی، وزارتخانه های دادگستری جمهوریها و کمیته های اجرایی نمایندگان خلق شوراهای محلی این حق را شناخته است که هر تصمیم هیأت رئیسه را، در صورتی که با قانون معتبر «مغایرت داشته باشد»^{۵۷}، به حال تعلیق درآورد. هیچ کس نمی تواند منکر این نتیجه شود که «استقلال» کانون وکلا خیالی پوچ و عاری از واقعیت بیش نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵۵. تنها پس از نشر این حادثه در مطبوعات، وزارت دادگستری جمهوری مجبور شد از کانون وکلا بخواهد که قاضی سابق اخراج شود. بنگرید به:

Literaturnaya Gazeta, Apr. 23, 1986, at 11.

۵۶. در پاره ای موارد، هنگامی که دادستانهای سابق عضویت در کانون را درخواست می کنند، علی رغم حمایت حزب و دستگاههای دولتی محلی، تقاضای آنان سرانجام رد می شود. این امر شاید به سبب این واقعیات باشد که برخوردهای گذشته بین آنان و وکلا ممکن است، پس از پیوستن آنها به انجمن، به اصطکاک بینجامد.

57. See, e.g., the Law, supra note 10, art 16; RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 35.

۳. شئون حرفه‌ای

علاوه بر اعمال همه گونه نظارت بر اداره انجمنهای وکلا، مصالح سیاسی حزب و دولت، سرپرستی دائم بر فعالیتهای حرفه‌ای وکلا را ایجاب می‌کند. دو مورد از چنین مداخله‌ای که به تخلف وکلا از مسؤولیتهای حرفه‌ای آنان منجر شده است از وسعت دامنه انقیاد قانون نسبت به احکام نخبگان* حکایت می‌کند.

مورد اول، که اصطلاحاً به نظام صدور «مجوز»** معروف است، طبق آن یک وکیل باید برای شرکت در «دعاوی مخصوص» که از قبل برای کشورهای غرب شناخته شده است اجازه داشته باشد.^{۵۸} ولی مفسران، به هر حال، هنوز راجع به آثار حقوقی نظام «صدور مجوز» بر طرز کار حرفه‌ای وکلا بحث نکرده‌اند و لذا توصیف کوتاهی پیرامون این جنبه عملکرد وکلای شوروی، برای توضیح پاره‌ای از اطلاعات موجود در مآخذ قدیمی‌تر، ضروری است.

التزام وکیل به داشتن اجازه مخصوص، که به او حق شرکت در محاکمه ویژه‌ای را می‌دهد، قاعده‌ای حقوقی نیست و آن را در هیچ یک از نشریات رسمی شوروی نمی‌توان یافت. با وجود این، در جامعه حقوقی شوروی و اینک در خارج شوروی نیز همه به خوبی می‌دانند که برای شرکت و مداخله در پرونده‌ای که تحقیقات مربوط به آن به وسیله ارگانهای «کا. گ. ب.»^{۵۹} و به موجب صلاحیت و اختیارات این سازمان در انجام

* elite

** dopusk

۵۸. برای ملاحظه زمینه‌های نظام «مجوز» (access) و وظیفه و اثر وکلا در مراعات سیاسی نگاه کنید به:

LURYI: The Role of Defense Counsel in Political Trials in the USSR, 7 Man. I.J. 307 (1979); D. KAMINSKAYA: Supra note 3, at 31.

۵۹. احتمالاً به علت اینکه این شخص غیر حرفه‌ای، که رابط «کا. گ. ب.» است، معمولاً این پرونده‌ها را سیاسی می‌خواند، در واقع امر، این پرونده‌ها با فعالیتهای ضد شوروی تماس با بیگانگان یا معاملات ارزهای قابل خرید و فروش ارتباط پیدا می‌کند.

تحقیقات در موارد خاص پیش‌بینی شده در قانون صورت گرفته است^{۶۰}، وکیل باید اجازه مخصوص داشته باشد.

اگر یک وکیل مایل باشد برای شرکت در این «دعاوی مخصوص»، که تحقیقات آن به وسیله «کا. گ. ب.» انجام شده است، «مجوز» داشته باشد باید برای این اجازه از هیأت رئیسه انجمن وکلای مربوط به خود درخواست نماید.^{۶۱} با دریافت این درخواست، هیأت رئیسه معرفی‌نامه‌هایی برای این وکیل تهیه می‌کند و آنها را به ادارات مربوط در «کا. گ. ب.» می‌فرستد. تصمیم نهایی درباره اینکه «مجوز» اعطا شود یا نه، در مورد هر فرد، توسط گروهی گرفته می‌شود که معمولاً شامل یک عضو «کا. گ. ب.» و دادستان واحد منطقه‌ای مربوط یا معاون او، رئیس یا معاون رئیس عالی‌ترین دادگاه همان منطقه و بالاخره یک عضو از بخش ارگانهای اجرایی است.^{۶۲} تعیین تعداد وکلایی که در تمام اتحاد شوروی دارای این «مجوز» هستند دشوار است، اما احتمالاً از رقم بیست درصد شاغلان تجاوز نمی‌کند.^{۶۳} فهرست وکلای صاحب «مجوز» در دفاتر مشاوره

۶۰. نگاه کنید به «UPK-RSFSR»، ماده ۱۲۶. در برخی موارد، یک پرونده ممکن است به دستور دفتر دادستان برای تحقیق به «کا. گ. ب.» فرستاده شود.

۶۱. به نظر می‌رسد امکانات گرفتن اجازه موقتی (a permit ad hoc) از آن زمان که در سال ۱۹۷۷ «لوری» به این امکان اشاره کرده است محدود شده باشد، بنگرید به: L'URYE supra note 58, at 308.

۶۲. کامینسکایا یادآور شده است که «مجوز همواره به اعضای هیأت رئیسه یک انجمن و به کلیه رؤسای دفاتر و به همه دبیران دفاتر یا اداره‌های حزبی داده می‌شود. از این گذشته، [این مجوز] به سه یا چهار نفر از وکلا، صرف‌نظر از رتبه آنان در هر دفتری، اعطا می‌گردد». نگاه کنید به: D. KAMINSKAYA: supra note 3, at 31.

این ملاحظه کاملاً دقیق نیست، زیرا مواردی اتفاق افتاده که به بعضی از مأموران مشتاق، «مجوز» داده نشده است. این کار ممکن است هنگامی که در دوره تصدی یک مأمور واقعیات رسواکننده‌ای از او کشف شده باشد اتفاق بیفتد.

۶۳. کامینسکایا و لوری اطلاعات متعارضی در این زمینه به دست می‌دهند. در حالی که کامینسکایا معتقد است که صد تا صد و بیست وکیل در مسکو «مجوز» دارند، لوری تصور می‌کند که فقط هفده تا بیست نفر در لنینگراد چنین مجوزی دارند (بنگرید به لوری، پانویس

حقوقی نگهداری می‌شود و هر موکل می‌تواند پرونده‌هایی را که به وکیل «مجاز» نیاز داشته باشد از مدیر این دفتر مطالبه کند. این نظام تفکیک بین وکلای صاحب مجوز و دیگران، که به محرومیت هشتاد درصد وکلای شاغل از شرکت در مجموعه‌ای از دعاوی انجامیده است^{۶۴}، غالباً به تخلفات از قانون در شوروی منجر شده است.

قانون اساسی شوروی مقرر داشته است که: «حق خواننده در یک پرونده جزایی برای معاضدت قضایی تضمین می‌شود».^{۶۵} مجموعه قوانین جزایی جمهوری نیز این ماده قانون اساسی را این گونه تشریح و تکمیل می‌کند که: «یک وکیل حق ندارد هنگامی که دفاع از یک متهم را پذیرفته است آن را ترک کند».^{۶۶} مفاد آیین دادرسی کیفری، متهم را مطمئن می‌سازد که وکیل مدافع او در میان دعوی، دفاع از او را رها نمی‌کند زیرا، در غیر این صورت، وکیل باید به دادگاه توضیح دهد تا موضع خواننده مورد سوءظن قرار نگیرد. حقوقدانان شوروی این موضوع را چنین تفسیر کرده‌اند که: «پذیرش خطای خواننده به وسیله وکیل، موقعی که خواننده به آن عمل اقرار نکرده است، باید به عنوان تخلف از مسؤلیت حرفه‌ای، نوعی اعراض

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵۸). این اختلاف در تعداد را نمی‌توان فقط به نسبت تعداد وکلا در هر یک از این دو شهر توجیه کرد. اگر بیان کامینسکایا (رجوع شود به پانویس ۶۲) درست باشد، در این صورت، بیشتر وکلا در لنینگراد باید دارای «مجوز» باشند. در عین حال، تقریباً بیست درصد از وکلا در استونی دارای «مجوز» هستند. موجه‌ترین نتیجه‌گیری این است که در این باره وضعیت یکنواختی در سراسر کشور حکمفرما نیست.

۶۴. اثر لزوم داشتن «مجوز» بر درآمد بالقوه وکیل را نباید زیاد مورد اعتنا قرار داد، زیرا این موضوع بر معدودی از همه پرونده‌های جنایی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مؤثر است.

65. Konst. SSSR art. 158.

۶۶. بنگرید به «UPK-RSFSR»، ماده ۵۱. این شرط همچنین در برخی از مقررات سابق جمهوریها، راجع به کانون وکلا، منظور شده بود. نگاه کنید به: مقررات ۱۹۶۲ پیرامون کانون وکلای جمهوری فدراتیور روسیه شوروی سوسیالیستی. در مقررات جدید سال ۱۹۸۰ این شرط گنجانیده نشده است تا به علت اختلاف نظر در شیوه اجرای آن حذف گردیده باشد.

از دفاع و در نتیجه تخلف آشکار نسبت به حق دفاع تلقی شود.^{۶۷} جریان محاکمه آناتولی شارانسکی*، که ناظران غربی از آن آگاه اند، نمونه ای است که نشان می دهد چه تخلفاتی از همه این احکام و دستورها در «یک دعوای مخصوص» اتفاق می افتد.

پرفسور فلچر بحث مفصلی راجع به تحولات این دعوای مشهور دارد.^{۶۸} او در این باره گزارش می کند که بستگان شارانسکی «با بیست یا سی حقوقدان شوروی مشورت کردند و هیچ یک از آنان مایل نبودند که اگر آناتولی بر بیگناهی خود مصرّ باشد در این دعوی شرکت کنند».^{۶۹} فلچر، در ادامه همین مطلب می گوید:

«نظام تحقیقات و شناسایی امنیتی، در دعوایی که از نظر سیاسی حساس هستند، مداخله می کند... و به همین دلیل است که می بینیم چرا بیست یا سی نفر از وکلای طرف مشورت خانواده شارانسکی وکالت او را در صورتی می پذیرفتند که آناتولی اقرار به جرم می کرد.^{۷۰} وکیلی که «مجوّز» نداشت نمی توانست در دعوای مزبور شرکت کند. یک حقوقدان صاحب «مجوّز» نیز اگر به دفاع مجدّانه می پرداخت، بازنده می شد.»^{۷۱}

ولی این اظهار پیاسخگویی مطلب نیست. وکیل بدون داشتن «مجوّز» نمی توانست دفاع را تقبل کند چه شارانسکی به جرم اعتراف می کرد یا نمی کرد. برای وکیلی که دارای «مجوّز» بود موضوع این نبود که

67. See G. GINSBURG: A. Polyak & V. Samsonov. Sovetskii Advokat 6 (1968).

* A. Sharansky

68. See FLETCHER: Justice Thwarted, Sov. Jewry L. Rev. 3 (1980).

69. Id. at 6.

۷۰. از نظر حقوق جزا، استناد به اعتراف به جرم کاملاً درست نیست. در حالی که در ایالات متحده اعتراف کردن به جرم — در همین حد — به محکومیت می انجامد، در اتحاد شوروی اقرار خوانده [یا متهم] به جرم بیشتر مشابه اعترافی است که لزوم محاکمه کامل را منتفی نمی سازد.

71. FLETCHER: supra note 68. at 6.

آیا باید وارد «یک دفاع مجذانه» بشود یا نه، بلکه مسأله اصلی آن بود که او چگونه می‌تواند موقعی که موکلش به جرم اعتراف نکرده است آن ضابطه حقوقی را که مستلزم اصرار بر بیگناهی موکل در این مواقع است رعایت نماید. هرگونه اقدام دیگری از جانب وکیل، منجر به نقض مسؤولیت حرفه‌ای او، نقض حقوق جزا، و نقض حق شارانسکی نسبت به معاضدت قضایی می‌شد. بدیهی است که معدودی از وکلای نگران حفظ حیثیت حرفه‌ای در قبال از دست دادن شغل خود هستند. وکلایی نیز بوده‌اند که براءت متهم را خواسته‌اند ولی اگر با حکومت در این باره تضاد داشته‌اند، پروانه وکالتشان معلق و «جواز» شان به طور قطعی ضبط شده است. در نتیجه، بیشتر وکلای ترجیح می‌دهند در چنین مراعاتی ابداً شرکت نکنند.

تعارض مابین اخلاق حرفه‌ای و انتظارات دستگاه‌های سیاسی دولتی معمولاً فقط در «دعاوی مخصوص» به وجود می‌آید. مثالی از یک دعوی جنایی عادی نشان می‌دهد که عدم توافق بین وکیل و موکلش بر سر مسأله جرم معمولاً به فسخ حکم منجر می‌شود.^{۷۲} از این روی، در پرونده زیراکیشویلی* و گوگوشویلی** دیوان عالی کشور اتحاد جماهیر شوروی حکم دیوان عالی گرجستان را از جمله به این دلیل لغو کرد که حق خواننده برای دفاع نادیده گرفته شده بود، زیرا وکیل جرم متهم را پذیرفته بود، در حالی که او به جرم خود اقرار نکرده بود.^{۷۳}

مورد دیگر که مربوط به دعاوی سیاسی نیست، راجع به حق محرمانه بودن اقدامات وکلاست که دخالت دولت در کار آنها باعث به خطر افتادن مسؤولیتهای حرفه‌ای شان می‌شود. مقتضای قانون این است که «وکیل

* Zirakishvily

** Gugushvily

۷۲. عدم موافقت بین وکیل و موکلش در مورد مسأله جرم، تنها هنگامی می‌تواند به بروز مشکلی بینجامد که خواننده اعتراف [یا اقرار] نکند. وکیل می‌تواند همیشه موکل خود را بیگناه بشمارد حتی اگر موکل جرم خود را پذیرفته باشد.

73. See 4 Biulleten Verkhovnego Suda SSSR (Bull. Verkh. Suda, SSSR) 25 (1983).

حق ندارد اطلاعاتی را که از موکل در رابطه با ارائه مشورت حقوقی به دست آورده است، افشاء و ابراز کند».^{۷۴} معمولاً موقعی که وکیل در فعالیتهایش جانب حزم را ملحوظ می‌کند اصل محرمانه بودن امور موکل را نیز مرعی می‌دارد. با این وصف، درز نکردن مطالب حرفه‌ای را نمی‌توان در جریان مشاوره‌های روزانه تضمین کرد، زیرا این مشاوره‌ها از طریق دفاتر مشاوره حقوقی انجام می‌گیرد. هر وکیلی که به یک موکل مشورت می‌دهد باید برگه ثبت‌نامی را پر کند. از جمله اطلاعاتی که باید در این برگه ذکر شود یکی آن است که وکیل ملزم است ماهیت مسأله مورد بحث و مشورتی را که به موکل خود داده در آن درج کند. این کارتهای ثبت‌نام برای بررسی رئیس دفتر مشاوره حقوقی به او تسلیم و در پرونده خاصی برای هر وکیل نگاهداری می‌شود. هر وکیلی در دفتر [مشاوره حقوقی] به کلیه سوابق دسترسی خواهد داشت و می‌تواند آنها را آن گونه که مایل است مورد بازرسی و ملاحظه قرار دهد. با در نظر گرفتن اینکه رویه مزبور با مقررات قانونی مغایرت داشت، انجمن وکلای شهر مسکو تصمیم گرفت مندرجات این برگه‌ها را خلاصه کند، به نحوی که دسترسی به ماهیت روابط وکیل و موکل، از روی مندرجات این برگه‌ها، مشکل تر شود. ولی بخش وکالت در وزارت جمهوری سوسیالیستی فدراتیور روسیه شوروی این ابداع را نامناسب خواند «زیرا به نظارت بر کار وکلا لطمه وارد می‌آورد».^{۷۵} به این ترتیب، یک بار دیگر تمامیت و خلوص حرفه‌ای، به نفع انگیزه‌های دیگر دولت، تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

74. See, e.g., The Law, supra note 10, art. 7; RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 16.

75. See *Povysheniye Roli Advokatury v Okazanii Pomoshchi Grazhdanam*, supra note 2, at 97 (comments by A. Polyak, member of the Moscow City College of Advocates).

۴. حق الزحمه وکلا

اگرچه شیوه پرداخت حق الزحمه وکلا قبلاً شرح داده شد^{۷۶}، قانون اخیر شوروی که هنوز در نشریات حقوقی مورد بحث واقع نشده مستلزم ملاحظه و بررسی جدیدی در این زمینه است. حرفه وکالت، به سبب پرداخت مقدار دستمزدی که در قیاس با معیارهای شوروی غیرعادی است، مشخص و ممتاز شده است. برخلاف اکثریت افرادی که در شوروی کار می‌کنند، وکلا حقوق خود را از دولت دریافت نمی‌دارند و مبلغ آن نیز تنها به وسیله میزان کاری که انجام می‌دهند تعیین می‌شود.^{۷۷}

حقوق ماهیانه یک وکیل عبارت است از مجموع مبالغی که موکلانش، بابت معاضدتی که به وسیله این وکیل انجام گرفته است، به دفتر مشاوره حقوقی پرداخته‌اند. مبلغ پرداختی هر موکل نیز معادل رقمی است که وزارت دادگستری اتحاد جماهیر شوروی تعیین کرده و برای همه انجمنهای وکلا لازم‌الاتباع است.^{۷۸} چون حکومت می‌خواهد مطمئن شود که هر شهروند شوروی می‌تواند به خدمات حقوقی دسترسی داشته باشد، لذا مایل نیست وکلا زیاده بر حق الوکاله مقرر دریافت کنند. میزان پاداش خدمت وکلا در حدی متعادل در نظر گرفته شده است. برای مثال، یک مشورت شفاهی عادی با وکیل یک روبل (معادل ۱/۳۰ دلار) هزینه دارد و نوشتن یک مدرک حقوقی پیچیده، که نیاز به تحقیق مقدماتی وکیل دارد، نمی‌تواند هزینه‌ای بیش از شش روبل (هشت دلار) داشته باشد. برای شرکت وکیل در تحقیق مقدماتی، مشتری بیست روبل برای دوروز و هشت روبل برای هر روز بعد از آن پرداخت می‌کند. همچنین، برای هر روز در

76. See Advokatura, supra note 3, at 214-15; D. KAMINSKAYA: supra note 3, at 28-29.

77. See The Law, supra note 10, art. 10.

78. See Instruksiya Ob Oplate Yuridicheskoi Pomoshchi Okazyvayemoi Advokatami Grazhdanam, Predpriyatyam, Uchrezhdeniyam i Organizatsiyam, reprinted in 3 Sots. Zak. 81 (1978) [hereinafter Instruksiya].

محکمه جنایی که مرافعه کمتر از سه روز ادامه یابد بیست روبل پرداخت می‌گردد و هر روز بعد از آن برای وکیل دوازده روبل عایدی خواهد داشت.^{۷۹} وکلا برای دریافت حتی دستمزدهای تعیین شده در دستورالعملها، غالباً با موانع قابل ملاحظه‌ای روبرو می‌شوند. به عنوان یک قاعده، از خدمات وکلای شوروی به دو نحو می‌توان استفاده کرد: به وسیله «توافق»^{*} و به وسیله «انتصاب»^{**}. اعضای با تجربه‌تر کانون وکلا که موکلان شناخته شده‌ای دارند، پس از توافق برسر پرونده‌ها، به تنظیم امور آنها می‌پردازند. چنین توافقهایی به وسیله برگه ثبت^{۸۰} قطعی می‌شود که حاوی امضای وکیل و موکل و نیز رئیس دفتر مشاوره حقوقی و همچنین شامل شرح خدماتی که باید انجام گیرد و نیز میزان حق الوکاله مربوط است. پس از تکمیل برگه ثبت، موکل حق الوکاله را به دفتر مشاوره حقوقی پرداخت می‌کند.^{۸۱} با اتمام وظایف حقوقی وکیل، دفتر مشاوره حقوقی، حق الوکاله وکیل را به حساب او واریز می‌کند.

حقوقدانان جوان‌تر، و گاه همکاران با تجربه‌تر آنان، غالباً برای یک پرونده خاص تعیین می‌شوند. این انتصاب به وسیله رئیس دفتر مشاوره حقوقی صورت می‌گیرد که از دادگاهها درخواست نصب وکیل را دریافت می‌کند. رئیس دفتر مشاوره حقوقی هم کسانی را که در آن روز معین درگیری ندارند به این کار می‌گمارد. هنگامی که وکیلی در جریان رسیدگی یک دادگاه، از طریق انتصاب، شرکت می‌کند قراردادی را با موکل امضاء نمی‌کند، ولی «برگه ثبت» تکمیل می‌شود. در این موارد، وکیل حق الزحمه

* agreement = posoglashenigu

** assignment = poznachenigu

79. Id.

80. See supra note 75 and accompanying text.

۸۱. امضای این ورقه به وسیله وکیل، به موافقت با موکل در مورد اینکه آیا پرداخت دستمزد توسط موکل انجام خواهد شد یا نه، صورت نهایی می‌بخشد. در واقع، ممکن است وکیل به علت نادیده گرفتن وظیفه‌اش بعد از امضای این ورقه مورد بازخواست قرار گیرد، حتی اگر پرداختی صورت نگرفته باشد.

خود را فقط پس از پایان محاکمه دریافت می‌کند. در عوض، با اتمام محاکمه، وقتی که حکم صادر می‌گردد، دادگاه از خواننده پرونده حق الزحمه دفتر مشاوره حقوقی را که وکیل را در اختیار گذارده است^{۸۲} مطالبه می‌کند. دفتر مشاوره، در این موارد، حق الزحمه را به صورت اقساط دریافت خواهد کرد که از درآمد خواننده کسر و به حساب وکیل ریخته می‌شود. البته، وکلای شوروی از این شیوه پرداخت حق الزحمه اغلب شکایت دارند؛ چرا که نتیجه این شیوه پرداخت، عدم تناسب حق الزحمه، و بنابراین، پایین بودن کیفیت کار است.^{۸۳}

نظام دادگستری شوروی، از خدمات متنوعی که وکلا به صورت رایگان عرضه می‌کنند، به خود می‌بالد.^{۸۴} به عنوان یک قاعده، هر وکیل شوروی از سوی انجمن خود ملزم است که مقداری کارهای بدون دستمزد نیز انجام دهد. بر همین اساس، گزارش شده است که از هفت میلیون مورد مشاوره‌ای که وکلا در سال ۱۹۸۱ عرضه داشته‌اند شش میلیون مورد آن صورت مجانی داشته است.^{۸۵} گرچه این ارقام را باید با قید احتیاط تلقی کرد اما نشان‌دهنده وقت و کوششی است که وکلا مجبور بوده‌اند، بدون اخذ دستمزد، صرف کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

82. See, e.g., UPK RSFSR art. 322.

83. See, e.g., *Povysheniye Roli Advokatury v Okazanii, Pomoshchi Grazhdanam*, supra note 2, at 97:

[T]he number of cases an advocate has to accept by assignment goes up. At the same time the quality of work decreases, because after an advocate completes his work, he is not paid according to the tariff. The payment occurs much later in installments, and sometimes is not received at all.

تعداد پرونده‌هایی که وکیل باید از طریق انتصاب بپذیرد رو به افزایش است. در عین حال، از کیفیت کار کاسته می‌شود. زیرا پس از اینکه وکیلی کارش را تمام می‌کند هنوز براساس تعرفه به او پرداختی انجام نشده است. پرداخت بعداً به صورت قسطی انجام می‌گیرد و بعضی اوقات هم وکیل هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کند (نظر داده شده به وسیله Stetsovsky).

84. See, e.g., Konst. SSSR art. 161; *The Law*, supra note 10, art. 11.

85. See *Sovershenstvovaniye Yuridicheskogo Obsluzhivaniya Naseleniya*, 4 *Sov. Gos. & Pravo* 74 (1983) (comments by Natruskin, Head of the Advokatura Department of the Ministry of Justice of the USSR).

علی رغم محدودیتهای سخت دولت نسبت به مسأله حقوق وکلا^{۸۶}، آنان معمولاً بین دویست تا سیصد روبل در ماه درآمد دارند.^{۸۷} بعد از کسر اجباری سی درصد (معمولاً ۲۵ درصد برای چرخاندن دفتر [مشاوره حقوقی] و ۲ تا ۳ درصد برای صندوق تعطیلات وکلا) حقوقی که وکلا دریافت می‌کنند بالا تر از متوسط حقوق در کشور است. از سوی دیگر، وکلا — شاید بحق — احساس می‌کنند که حقوقشان با میزان وقت و کوششی که صرف کارشان می‌کنند متناسب نیست. این وضع، به تفاهمی غیررسمی بین وکلا و موکلان آنان منجر شده است تا با پرداخت مبالغی بدون ثبت و ضبط به وکلا تعهد آنها به کار برانگیخته شود.

پرداخت حق الزحمه مستقیم به وکلا خارج از نرخ تعیین شده در دستورالعمل، به عنوان «Mikst» شهرت یافته است، که کلمه‌ای است مرکب از حروف اول کلمات روسی برای «حداکثر بهره‌برداری از موکل افزون بر نرخ مقرر»^{*}. معمولاً «Mikst»، پیش از اینکه پرونده مورد رسیدگی قرارگیرد، به وکیل پرداخت می‌شود و ربطی به نتیجه رسیدگی ندارد. اعتقاد همگان بر این است که «Mikst»، کم و بیش، به کوشش وکیل مربوط می‌شود و به صورت روشی معمول برای پرداخت حق الزحمه وکیل مطلوب و مورد نظر درآمده است.

هرچند که غرب از رویه پرداختهای جانبی به وکلای شوروی از مدتها قبل آگاهی داشته اما به نحو نادرستی این رویه به عنوان «نقض

۸۶. باید یادآوری شود که وکلای شوروی مشمول بیمه‌های اجتماعی دولتی و امتیازات بازنشستگی هستند. نگاه کنید به:

RSFSR Regulation on the Bar, supra note 19, art. 20.

۸۷. حقوق یک وکیل، رسماً نباید ماهیانه از حداکثر سیصد و پنجاه روبل تجاوز کند. نگاه کنید به:

Advokatura, supra note 3, at 214.

اگر وکیلی بیش از این مبلغ به دست آورد، مابه‌التفاوت باید به صندوق انجمن آن وکیل واریز شود.

* *Maksimalnoye Ispolzovaniye Klienta Sverkh Tarifa*

قانون» موصوف گردیده است.^{۸۸} حتی اگر یک خواننده غربی نتواند عرف پرداختهای غیرقانونی را درک کند بازفهم این مطلب مهم است که، در چارچوب انقیاد سیاسی تام وکیل، انعطاف مالی می‌تواند عامل مهمی در یک دفاع موفقیت‌آمیز به‌شمار آید. در واقع، تا سال ۱۹۸۱ مهمترین وجه امتیاز حرفه وکالت امکان دریافت حق الزحمه اضافی که برای همه طبقات جامعه شوروی، هم میسر و هم عملی بوده است، نبود^{۸۹} بلکه این امتیاز از نادیده گرفته شدن نسبی دریافت «Mikst» ناشی می‌شد. تحت قانون جزایی شوروی، حق المشاوره یا حق الزحمه خدمات تخصصی را که به وکلا پرداخت می‌شود نمی‌توان از لحاظ فنی رشوه قلمداد کرد، و بنابراین، تا سال ۱۹۸۱ قابل مجازات جزایی نبود^{۹۰} و حداکثر مجازاتی که وکیل با دریافت «Mikst» با آن روبرو می‌شد عبارت بود از ممنوع‌الوکاله شدن وکیل (یا تعلیق جواز وکالت او).^{۹۱}

در سال ۱۹۸۱ همه جمهوریهای شوروی، این راه‌گریز را با تغییر قوانین جزایی خود سد کردند و این امر با اصلاح مواد مربوط به مسئولیت کیفری اشخاص شاغل در صنایع خدماتی در خصوص «قبول وجوهی از شهروندان برای انجام کارهایی که جزو مسئولیتهای اداری آنان بود» صورت گرفت.^{۹۲} برای به‌اجرا در آوردن مقررات جدید، هیأت عمومی دیوان عالی کشور اتحاد

88. See, e.g., BARRY & BERMAN: *supra* note 4, at 16.

89. See, e.g., K. SIMIS: *The Corrupt Society* (1983).

۹۰. بنگرید به: «UPK-RSFSR» ماده ۱۷۳ که می‌گوید «رشوه» جزو دسته‌ای از جرایم است که اصطلاحاً «جرایم رسمی» خوانده می‌شوند؛ یعنی آنهایی که فقط ممکن است به وسیله مأموران صاحب مقام رسمی انجام گیرد (Dolzhnostnoye litso). ماده ۱۷۰ همان مقررات یک مأمور رسمی را چنین تعریف می‌کند: «کسی که به صورت دائم یا موقت وظایفی را از جانب دولت انجام می‌دهد». چون قانون وکلا جزئی از دستگاه دولتی نیست وکلا تحت صلاحیت ماده ۱۷۳ مذکور قرار نمی‌گیرند.

۹۱. دیگر اعضای حرفه قضایی — یعنی قضات و دادستانها — مشمول مجازاتهای جزایی، تا حد اعدام، هستند. رجوع شود به ماده ۱۷۰ مقررات «UPK-RSFSR».

۹۲. بنگرید به بند ۲ ماده ۱۵۶ مقررات «UPK-RSFSR» حداکثر مجازات برای تخلف از این ماده سه سال زندان تعیین شده است.

جماهیر شوروی سوسیالیستی فرمانی صادر کرد که برای همه محاکم پایین تر لازم الاجراء بود.^{۹۳} دیوان عالی کشور، در این فرمان، بخصوص تأکید کرده بود که قانون جدید «به همه افراد شاغل در کلیه سازمانهایی که هر نوع خدمتی را به عامه عرضه می‌کند»^{۹۴} قابل تسری است. به این ترتیب، حکومت، آخرین آثار اعاشه حرفه‌ای مستقل را از بین برد. علاوه بر پیگرد بعضی از وکلا، قانون جدید تسلط کامل اقتصادی و سیاسی دولت را نیز بر وکلا فراهم می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

استقلال کانون وکلای شوروی از دستگاه‌های حاکمه دولتی، توهمی است که وقتی شخص از نزدیک به کار وکلا بنگرد به سرعت محو می‌شود. با این وصف، وکالت در اتحاد جماهیر شوروی به صورت تنها حرفه‌ای باقی می‌ماند که در آن وکیل مستخدم دولت شمرده نمی‌شود و جزئی از سلسله مراتب آن به حساب نمی‌آید. در چارچوب محدودیتهایی که بر کار وکلا صورت می‌گیرد، گوا اینکه عملکرد آنان عاری از شوق و شیفتگی است، مهمترین مأموریتشان حفظ دفاع از مردمی است که، در غیر این صورت، بی دفاع می‌مانند. علی‌رغم تلقی نامناسب عمومی، مردم موقع احتیاج و لزوم، هنوز به وکلا رجوع می‌کنند تا کسب حمایت و راهنمایی کنند. مردم هنوز در حرفه وکالت، تمایل سنتی آن را به جمع‌گرایی و دمکراسی سازمانی می‌جویند و تا زمانی که این تأسیس وجود دارد، با همه اوضاع و احوالی که ذکر شد، حرفه مذکور به عنوان پناهگاه آزادی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تلقی می‌شود.

93. See I Bull. Verkh. Suda. 23 (1984).

94. Id.

● سخن آخر

پس از اتمام این مقاله، نویسندگان اطلاع یافتند که در نتیجه اقدامات آزادگرایانه اقتصادی آقای گورباچف هم اکنون چندین پیشنهاد قانونی در دست بررسی است که امکان دارد به تحول حرفه وکالت در اتحاد جماهیر شوروی منجر شود.

قانون جدید راجع به فعالیتهای بخش خصوصی که از اول مه ۱۹۸۷ لازم الاجراء شده است می تواند مهمترین تغییرات مورد نظر را به بار آورد؛ زیرا وکلا قادر خواهند شد که به اتکای لیاقت فردی عمل کنند، نه آن گونه که فعلاً از طریق انجمنها کار می کنند. به نظر می آید مقررات جدید سقف حداکثر حقوق وکلا را از میان بردارد و میزان حق الزحمه ها را تغییر دهد، و بنا بر آن، مهارت و تجربه بیشتر ملاک و معیار حق الزحمه قرار گیرد. هدف از این اصلاحات آن است که انگیزه های بیشتری برای وکلا فراهم آید و دولت هم قادر شود که بر حق الزحمه وکلا نظارت کند. اگر این اصلاحات به مرحله عمل درآید مسلماً به حرفه وکالت حیات تازه ای داده خواهد شد و به صورت عامل مؤثرتری در توسعه اجتماعی و حقوقی شوروی در خواهد آمد.

پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني